

ایجاد

شورای عالی منافع ملی افغانستان

داکتر فریار کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

یکی از مشکلات بزرگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، روابط خارجی و غیره امور افغانستان نداشتن و تعریف نکردن «منافع ملی» میباشد. تا زمانیکه منافع ملی از طرف یک هیئت با صلاحیت ملی تعریف و تعیین نگردد، بعید است اگر مردم، شورای ملی و حکومت کدام کار مثبتی در کشور انجام داده بتوانند. در عدم تعریف و تعیین منافع ملی هر کس منافع ملی را مطابق ذوق و سلیقه خود تعریف و تعیین نموده و بدین ترتیب هر فرد حکومت و مردم تعریف متفاوتی از آن در نزد خود می داشته باشند.

از طرف دیگر تا زمانیکه «منافع ملی» طوریکه مردم افغانستان میخواهند تعریف و تعیین نگردد، نمیتوان استراتژی ملی را ترتیب داد. تا زمانیکه استراتژی ملی ترتیب داده نشود نمیتوان پلان های کاری مملکت را تنظیم نمود. تا زمانیکه پلان های کاری ترتیب و تنظیم نگردند نمیتوان پروژه های کاری را آغاز نمود. تا زمانیکه پروژه آغاز نگردند مردم دارای کار و مشغولیت نشده و صاحب درآمد نخواهند شد و بدین ترتیب اقتصاد کشور و مردم شگوفا نشده و اوضاع ناهنجار اقتصادی، مادر همه امراض اجتماعی و سیاسی خواهد ماند و نباید انتظار اوضاع بهتر امنیتی را داشته باشیم.

گرچه دولت در این اواخر چیزی بنام «استراتژی ملی» ترتیب داده است ولی عجالتاً در دست نیست و واضح نیست که بر مبنای چه تعریفی از منافع ملی استوار است. تصور نمیرود که منافع ملی که این استراتژی بر آن بنا یافته اصلاً منافع ملی باشد. تعریف و تعیین منافع ملی بالاتر از صلاحیت رئیس جمهور، حکومت و شورا میباشد و تا جائیکه دیده میشود نهادی که صلاحیت چنین کاری داشته باشد اصلاً در افغانستان وجود ندارد. دلیل آنکه چرا حکومت صلاحیت چنین کاری را باید نداشته باشد اینست که حکومت منحیت قوه اجراییه برای اجرای امور موظف میباشد و بدین ترتیب صلاحیت ترتیب یک استراتژی ملی و پلان های کاری را دارد که بعد از تصویب شورای ملی میتواند در اجرای آن اقدام نماید. ولی صلاحیت تعریف و تعیین منافع ملی کار دولت و شورا نبوده بلکه کار ملت است که باید راه های ایجاد آنرا جستجو کنند.

دلیل دگری که چرا شورای ملی صلاحیت تعریف و تعیین منافع ملی را باید نداشته باشد اینست که همه اعضای شورای ملی یا نمایندگان ملت حتماً شخصیت های علمی و تخصصی نیستند بلکه اکثر شان از جمله اشخاص عوام میباشند که به هیچ وجه بصورت تخنیکی توانائی همچو یک کار مهم و با اهمیت را ندارند.

این کاریست که به ملت تعلق دارد و راه های آن که چطور میتوان آنرا بمیان آورد و از آن پاسبانی نمود چیزیست که دانشمندان کشور در داخل و خارج باید در مورد آن تلاش و تفکر نمایند.

اگر ملت افغانستان واقعاً خواستار یک رژیم مردمی در کشور هستند باید بدانند که این نوع رژیم بدون مطالعات دقیق و عمیق و پلان های محاسبه شده پیاده شده نمیتواند و نمیتوان با دیموکراسی گفتن صاحب روش دیموکراسی شد. از همین جهت است که ما دیموکراسی میشنویم و دیکتاتوری می بینیم.

بنابراین افغانستان و مردم افغانستان به یک «شورای عالی منافع ملی» ضرورت دارد. اینکه این شورا چگونه ایجاد شود شاید راه های مختلف و متفاوت وجود داشته باشد. در اینجا یکی دو راه مطرح میشود و راه های دیگری نیز وجود دارد:

- 1- انتخاب اعضای شورای عالی منافع ملی توسط رای مردم بصورت آزاد.
- 2- انتخاب اعضای شورای منافع ملی توسط رای گیری در بین اعضای شورای ملی و شوراهای ولایتی.
- 3- انتخاب اعضای شورای منافع ملی توسط انتخابات اعضا از طرف شوراهای ولایتی طوری که تعداد نماینده هر ولایت روشن باشد. شاید دو نماینده از هر ولایت یا متناسب به تعداد نفوس هر ولایت.
- 4- راه های دیگر.

یکی از این راه ها و یا کدام راه دیگر این مسئله را میتواند حل کند. رئیس جمهور، شورا و حکومت حق نصب و پیشنهاد هیچ شخصیتی را در شورای عالی منافع ملی کرده نمیتواند.

شرایط کاندید شدن برای عضویت در شورای عالی منافع ملی باید بسیار مشکل باشد. بعضی از این شرایط عجالاً قرار ذیل میباشد:

- 1- کاندیدا باید بالاترین درجه تحصیل یا معادل آن را در یکی از رشته های علمی داشته باشد. (به هیچ صورت از درجه ماستری و یا معادل آن کمتر نباشد.) هر قدر دانشمندان رشته های مختلف در این شورا حضور داشته باشند به همان اندازه بهتر خواهد بود.
- 2- کاندیدا باید حد اقل دارای تجربه ممتد و تازه کاری 15 سال در رشته مربوطه خود باشد.
- 3- کاندیدا باید به هیچ صورت به داشتن تعصبات نژادی، قومی، زبانی، مذهبی و غیره شهیر نباشد. (در مورد اینکه این ماده چگونه گنجانیده شود تفکر و نظریات بیشتر بکار است)

- 4- کاندیدا باید به هیچ صورت متهم به کارهای ضد ملی در گذشته نباشد.
- 5- کاندیدا باید در مکالمه، و نوشتن در زبانهای داخلی و یک زبان خارجی دارای استعداد عالی باشد.
- 6- کاندیدا باید به مردم دوستی، وطن پرستی، وطن خواهی شهرت کافی داشته باشد.

اینها بعضی شرایطی است که کاندیدا ها باید داشته باشند. البته این وظیفه مردم یا نهاد های رای دهنده میباشد تا شرایط را مد نظر گرفته و مخصوصاً در مورد شرایط 3، 4 و 6 تحقیق و جستجو نمایند. رول مردم یا نهاد های رای دهنده خیلی ها مهم بوده و نباید در این مورد سهل انگاری صورت گیرد.

وظایف و وجایب این شورا چیز است که ملزوم اندیشه و کار زیاد میباشد تا این شورا یک شورای عالی و مفید برای کشور بوده و از ایجاد آن فواید زیادی به افغانستان و مردم آن برسد.

چیز هائیرا که خوانندگان ارجمند تا اینجا تعقیب نمودند یک طرح و پیشنهاد مهم میباشد که با الفاظ بسیار ساده و بصورت کوتاه و مختصر تشریح گردید. صورت مکمل این طرح کار بس بزرگ و وقت بسیار زیاد بکار دارد که در صورت مد نظر گرفتن آن میتوان بالای آن بیشتر کار نمود. تکمیل همچو پیشنهادات نه تنها کار یک نفر بلکه به یک گروپ جدی و لایق ضرورت دارد تا نه تنها با مباحثات بصورت یک طرح جامع درآید بلکه باید نظرات دانشمندان و متفکرین امور کشور جمع شود و تکمیل گردد.

هرگاه چنین یک شورای در افغانستان ایجاد شود بعد از تعریف و تعیین منافع ملی و لست ارزشهای ملی میتوان قانون اساسی فعلی را که از مواد ضد و نقیض مملو میباشد در روشنائی آن اصلاح نمود.

شاید تعداد اعضای این شورا در حدود شصت نفر باشد اما این شخصیت ها بعد از انجام کارهای مقدماتی و تعریف و تعیین منافع ملی و لست ارزش های آن همیشه مصروف امور این شورا نخواهند بود و بدین ترتیب اگر در آتی صرف یکبار در هفته و یا یکبار در ماه با هم جلسه نمایند و از منافع ملی پاسبانی نمایند کار خوبی خواهد بود. از این شخصیت های خبیر در امور دیگر کشور نیز استفاده صورت گرفته میتواند. اینها در پهلوی پاسبانی از منافع ملی از قانون اساسی کشور نیز میتوانند پاسبانی نمایند.

در اینجا لازمست تا یک مقدار در مورد منافع ملی بحث کنیم تا دیده شود که منظور از منافع ملی چیست و چرا به چنین شورای عالی جهت برآورده ساختن آن یعنی تعریف و تعیین و ترتیب لست ارزشهای آن ضرورت میباشد.

در سی سال گذشته (البته قبل از آن هم منافع ملی تعریف و تعیین نشده بود) رژیم های مختلف در افغانستان قدرت را به دست گرفتند و هر کدام مطابق ذوق و سلیقه خود و مطابق آینده و اندیشه خود استراتژی های، پالیسی های، پلان ها و سیاست های خارجی تعیین نمودند و در راه به کرسی نشاندن آن جدیت به خرج دادند. طوریکه میدانیم تمام این رژیم ها با تمام استراتژی های، پلان ها و پالیسی های خود از بین رفتند و هر بار آن دگری قدرت را بدست گرفت باز مطابق ذوق و اندیشه خود به کارهای جدیدی دست زد. تمام آن کارها در عوض پیشرفت و ترقی مملکت ما را به بدترین شرایطی رسانید که امروز خانه تمام مرض ها و آلام روزگار افغانستان میباشد. در هیچ کدام این دوره ها چیزی بنام منافع ملی که از طرف ملت افغانستان به تصویب رسیده باشد وجود نداشت. منظورم از استعمال و استفاده از اصطلاح منافع ملی در این دوره ها نمیباشد بلکه اصل منافع ملی که توسط ملت تعیین شده باشد و به تصویب رسیده باشد، وجود نداشت. در حقیقت در این دوره ها منافع قومی، خانواده گی، حزبی، گروهی و شخصی جانشین منافع ملی شده بود. این خود درسی ایست برای ما مردم افغانستان که یک گروه خاص یا یک قوم خاص توانائی تعریف و تعیین منافع ملی را که همه ملت به آن موافق باشند ندارند. پس لازم است تا از این تجارب که در لابراتوار سیاسی و اجتماعی خود ما مورد آزمایش قرار گرفته اند، استفاده نمائیم و بیاموزیم که کشور ما به کارهای مهم و به ابتکارات جدید ضرورت دارد. به هیچ صورت در این جهان پیچیده نمیتوانیم بدون طرح های عمده و خاص افغانستان به نتیجه دلخواه برسیم. از طرف دیگر ذهنیت یک تعداد هموطنان ما در مورد مسایل سیاسی، اجتماعی، اداری و حکومت داری چه در داخل افغانستان و چه در بیرون بسیار غنی شده است و تجارب سیاسی اجتماعی کشورهای جهان هم بصورت آسان در دسترس ما قرار دارد. مشکل تنها اینست تا خود را زحمت داده و از این همه دنیای معلومات و اطلاعات بهره برداری نمائیم. البته بهره برداری ما باید شکل ملی داشته باشد. منظورم از شکل ملی آنست تا تمام افغانستان، تمام اقوام، تمام مذاهب و همه چیز مملکت را به یک نظر بدون کدام تبعیض و امتیاز مد نظر بگیریم و هدف ما همیشه از افغانستان و مردم آن احترام به کشور و عدالت و مساوات در بین تمام شهروندان آن باشد.

ما چطور میتوانیم منافع ملی خود را در تمام سطوح زندگی مد نظر بگیریم در صورتیکه منافع ملی ما تعریف و تعیین نشده باشد؟ لست ارزش های ملی کنار هم گذاشته نشده باشد و فرق بین مسایل ملی و قومی را نداشته باشیم.

دیپلومات های ما در کشورهای خارجی و در جوامع بین المللی چطور میتوانند از منافع ملی مردم افغانستان دفاع نمایند در صورتیکه ندانند منافع ملی ما چیست؟ در دولت، حکومت، شورا، ولایات، در بین شاگردان و محصلان و دانشجویان ما منافع ملی چه چیزهایی بوده میتواند. اگر ما داری تعریف معین از منافع ملی میبودیم و با تمام جزئیات در هر مورد منافع ملی را تعریف میکردیم چرا شورای ملی ما در مورد کوچی ها، زبانها، اقوام و غیره به جان هم می افتادند. اگر ما دارای تعریف معین از منافع ملی خود میبودیم چرا نیروهای خارجی در هر زمان

و مکان بالای هرکس و ناکس بمباردمان میکردند. اگر ما دارای منافع ملی تعریف شده میبودیم پروژه های مملکت را چند نفر خاص نمیتوانستند بصورت خویشخوری از آن خود سازند. اگر ما دارای منافع ملی تصویب شده از طرف مردم میبودیم منابع املاکی و طبیعی ما چور و چپاول نمیشد.

اگر تعریف درستی از منافع ملی وجود میداشت از موقعیت سوق الجیشی کشور خود در برابر خارجی ها برای آبادی مملکت استفاده بیشتر مینمودیم ولی حالا این موضوع منحنی یک جنبه منفی بر رخ ما کشیده میشود و ما توانائی دفاع از آن را نداریم زیرا فکر میکنیم که همین مسئله در طول تاریخ ما را در مضیقه قرار داده است. بلی از این رهگذر همیشه صدمه دیده ایم ولی چرا؟ بخاطریکه اهمیت آنرا ندانسته ایم و نتوانسته ایم آنرا با بهای اصلی آن در معادلات سیاست خارجی و داخلی منحنی یک متحول مهم شامل بسازیم.

همیشه از محدود بودن به خشکه شکایت داریم و نتوانسته ایم که حد اقل در مقابل پاکستان و ایران آنرا منحنی یک پل و معبر جهت رسیدن آنها به آسیای میانه بشکل درست آن قرار دهیم. اینرا هم تا حال به صورت درست تحلیل نکرده ایم که اگر راه های بحری پاکستان و ایران بر ما مسدود شوند چه چاره ئی داریم. گرچه در این اواخر در این مورد بصورت استثنائی یک مقدار توجه صورت گرفته است.

از کوه های بلند خود مینالیم و استفاده از آنها را سخت و دشوار میدانیم. در حالیکه در دل این کوه ها منابع عظیم منرالی و معدنی وجود دارد ولی ما همه تماشچی آن هستیم و برای بهبود زندگی خود به آن مراجعه نمیکنیم.

از منابع آب و رودخانه های خود شکایت داریم که بی آب هستیم و خشک سالی در وطن مروج است ولی وقتی آنها تعیانی و سیلابی شدند همه میترسیم و میگذاریم همه آبهای آن از ما و از وطن ما دور شوند و بعد فغان میزنیم که آب نیست و زراعت ما لاغر شده است. اگر منافع ملی ما این منابع را منحنی ارزش های ملی تعریف و تعیین نماید و به اساس آن استراتیژی و پلان های انکشافی میداشتیم و از آبهای آن استفاده میکردیم چه شگوفائی هائیکه در اقتصاد خود نمیداشتیم. ولی ما همیشه چند دقیقه حال خود را می بینیم و آینده ما هرگز نزد ما مطرح نیست.

همیشه از دشت های سوزان و بایر خود ناله میکنیم و افسوس میخوریم که اگر این دشت ها سرسبز و شادان میبود. انرژی آفتابی این دشت های سوزان منبع بزرگ انرژی برای بسیار کارهای ما شده میتواند ولی این دشت های سوزان در لست منافع ملی ما قرار ندارد و آفتاب آن مغز های ما را خشک ساخته است که نمیتوانیم از آن استفاده های مختلف نمائیم. بدین ترتیب نزد ما بی ارزش است در حالیکه آن دشت ها منبع بزرگ و با ارزش انرژی است که خداوند به ما اعطا کرده است و ما خورده نمیتوانیم.

جوانان ما در سراسر کشور با مغزهای صحتمند و نیروی بزرگ جسمانی چیزیست که در جهان کشورهای کمی این دارائی بشری را دارا میباشند. اما نمیتوانیم از وجود آنها برای آبادی کشور و ترویج علم و دانش استفاده درست نمائیم. ما آنها را بیشتر یک نوع تاوان بر خود و کشور خود میدانیم و نمی دانیم در این مورد چگونه سرمایه گذاری نمائیم. جوانان ما بیکار ولی امنیت ما خراب، جوانان ما آماده کار ولی پروژه های کاری درک ندارد. جوانان ما یعنی نیروی انسانی و بشری ما آماده کار ولی ما طرحی برایشان نداریم. دلیل این همه جفا به مردم عدم وجود تعریف و تعیین منافع ملی میباشد زیرا جوانان ما هم هنوز در لست منافع ملی ما قرار نگرفته اند. لستی که وجود خارجی ندارد.

ما نتوانستیم از بزرگترین جهادی که در مقابل قوای تجاوزگر شوروی در دهه هشتاد انجام دادیم منحيث یک ملت قهرمان استفاده نمائیم. برعکس امروز بخاطر شجاعت و دلیری خود و بخاطر دفاع از نوامیس و دین و وطن خود بصورت بسیار منفی بنام تروریست و شرور و جنگگره رسوای عام و خاص شده ایم و جهان ما را به نام های منفی و زشت میشناسند. این خود عدم وجود شناسائی ما با منافع ملی ما در نزد هر یک ما بود که منافع بیگانگان را به عوض منافع ملی خود مدنظر میگرفتیم. اگر منافع ملی در نزد ما روشن میبود شاید هموطنان مجاهد و ساده دل ما را کمتر کسی فریب میداد. اگر رهبران مجاهدین مدیر میبودند و با اتحاد و اتفاق به همه امور میرسیدند امروز ما دیگر در بین کشورهای جهان به قوای نظامی ضرورت نمیداشتیم زیرا همه میدانستند که با سلاح های خفیف قدرت بزرگ شوروری تاب مقاومت نیاورد و بدین ترتیب کسی بر ما به اصطلاح چپ سیر کرده نمیتوانست. تمام این ناتوانی های ما بخاطر ندانستن و مد نظر نگرفتن منافع ملی ما بود. چیزی که در گذشته ها کسی به آن توجه نداشت و مردم ناآگاه از مسایل سیاسی نگهداشته شدند.

قسمیکه دیده میشود لست ارزش های منافع ملی را در هر مورد میتوان انکشاف داد و تعریف و تعیین نمود و آنها را در برابر چشمان متخصصین، دیپلماتها، اراکین وزارت خانه ها، اعضای علمی دانشگاه ها و کافه ملت قرار داد تا همه از منافع ملی و ارزش های آن باخبر شده و در حفظ و نگهداری آن جانفشانی کنند. در غیر راه ما راهی خواهد بود از گذشته ها طی نموده ایم و بجائی نرسیده ایم. اگر ما راه نیاکان خود را در رابطه با پیشرفت و انکشاف کشور تعقیب کنیم باید انتظار هیچ نوع بهبود در اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و غیره را نداشته باشیم زیرا روش دیکتاتوری های گذشته نیاکان ما را از هر نوع ابتکار سیاسی، اقتصادی و غیره باز داشت و آنان نتوانستند یک وطن آباد برای نسل امروزی بگذارند. اما ما باید در مورد وطن و هموطنان بی تفاوت نباشیم. هر قدر ملی و کلی فکر نمائیم به همان اندازه زودتر به سرمنزل مقصود خواهیم رسید.

امید است این تشریحات عادی و ساده اهمیت «شورای عالی منافع ملی» را برای خوانندگان گرامی روشن توانسته باشد. / 27 اگست 2008 - فلوریدا/